

مبانی حقوق شهروندی در سیره حکومت‌داری امام علی (علیه السلام)
(با رویکرد آموزه‌های قرآن کریم)

محمد داودآبادی *

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۴

چکیده

امروزه حقوق شهروندی یکی از مسائل مهم جوامع علمی بالخصوص در میان حقوقدانان و پژوهشگران محسوب می‌گردد؛ زیرا نهادینه شدن یک جامعه بر مبانی فکری دموکراسی، مستلزم توجه به مبانی این نوع حقوق در حکومت می‌باشد. کشور ایران نیز به عنوان یک کشور اسلامی، باید مبانی حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام تدوین کند؛ تا با ایجاد یک الگوی صحیح و متناسب با زمان، حکومت علوی را در سراسر جهان برای تمام عدالت‌پیشگان معرفی نماید. سؤالی که مطرح می‌شود؛ این است که، «مبانی حقوق شهروندی» در سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) چگونه بوده است؟ این نوشتار کتابخانه‌ای، با بررسی مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه از دو بُعد علمی و کاربردی بر این واقعیت دلالت دارد؛ که: برخلاف حقوق شهروندی در نظام‌های دموکراتیک جهان که مبتنی بر حق محوری و تکلیف محوری هستند؛ حقوق شهروندی در حکومت امیرمؤمنان (علیه السلام) با دو منبع معتبر اسلام؛ قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ارتباط مستقیمی دارد. لازم بذکر است؛ امام (علیه السلام) مشروعیت حکومت را الهی می‌داند؛ که با اقبال مردم در یک جامعه محقق می‌شود. دین و سیاست نیز در کلام علی (علیه السلام) رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگسستنی با هم دارند. امام (علیه السلام) رابطه‌ی فرمانروایان و شهروندان، را چون حق و تکلیف، دوسویه و متقابل می‌داند. مردم در حکومت اسلامی دارای مسئولیتی سنگین در قبال اجتماع و نظام اجتماعی، از جهت مشارکت فعال در عرصه‌های اجتماع و تعیین نوع حاکمیت دارند و در مقابل،

حکامان اسلامی باید برای رشد و تعالی انسانیت در جامعه چهار زمینه را ایجاد نمایند:

- ۱- اجرای عدالت در تمام سطوح کشور.
- ۲- تأمین امنیت در همه عرصه‌ها (اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی).
- ۳- تأمین رفاه همه شهروندان بدون لحاظ کردن نوع گرایش‌های دینی و فکری.
- ۴- ایجاد زمینه مناسب حقوق اجتماعی در جامعه برای رشد و تعالی انسان‌ها.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، حق، تکلیف، کرامت انسانی.

مقدمه

امروزه اهمیت کتاب نهج البلاغه، در عصر تحقیق در مورد مبانی نظری و عملی سیاست و حکومت با رویکرد دینی، بر کسی پوشیده نیست. دقت در مبانی نظری و عملی میراث اسلامی - سیاسی دین اسلام، از لوازم تفکر جدید است؛ که در کتاب نهج البلاغه قابل ردیابی می‌باشد. زیر بنای این میراث گرانبها، سیره عملی و گفتاری معصومین علیهم‌السلام بالخصوص سیره حکومت داری امام علی علیه‌السلام می‌باشد. بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی موضوعات کتاب نهج البلاغه در مباحث سیاست و حکومت جلوه جدیدی به خود گرفت؛ تا آنجا که کتاب‌های فراوانی به تالیف در آمد؛ اما هیچ کدام به صورت دقیق و مشخص به موضوع «حقوق شهروندی» در نگاه آن حضرت علیه‌السلام نپرداخته است. مفهوم و جایگاه شهروندی در محافل علمی یکی از مسائل و مهم در عصر کنونی است. سوالی که مطرح می‌شود این است که: «مبانی نظری و عملی حقوق شهروندی» در حکومتی داری امام علی علیه‌السلام چگونه بوده است؟ اهمیت این سوال با مراجعه به متون اصیل دینی بر ما روشن است؛ چرا که تشکیل یک نظام دینی اهداف تمامی پیامبران و امامان علیهم‌السلام بوده، تا مردم در سایه قسط و عدل به تعالی روح و معرفت برسند. امروزه کارکرد حکومت اسلامی در منظر جهانیان در جهت حل مشکلات مختلف جامعه قرار دارد. لذا بر همگان از جمله رهبران و نخبگان و دیگر آحاد مردم لازم است؛ در جهت موفقیت حکومت اسلامی و اجرای حقوق اسلامی بکوشند. قطعاً یکی از راه‌های کارآمدی نظام اسلامی، بازشناسی مبانی فکری و حقوقی و ارزشی حقوق شهروندی است؛ تا نظام اسلامی^۱ با الگو برداری صحیح و متناسب با زمان، تفکر اسلام را در جهان گسترش پیدا کند و حکومت

^۱ - امام خمینی رحمته‌الله در سال ۱۳۶۱ شمسی در فرمان هشت ماده‌ای خود، «حقوق انسان‌ها و شهروندی» را بسیار شفاف و صریح

علوی را الگویی کامل برای تمام عدالت‌پیشگان عالم معرفی گردد. در همین راستا در این مقاله سعی شده است؛ با تحقیق در حکومت داری امام علی (علیه السلام) در کتاب شریف نهج البلاغه، یک شناخت کلی از درست مبانی حکومتی و حقوق شهروندی در حکومت اسلامی - علوی در قالب نظریه «برایان ترنر و کیت فالکس» و تکمیل آن بدست آید.

بخش اول: اصطلاحات و واژه‌ها

قبل از ورود به بحث نیازمندیم؛ که ابتدا با تعاریف کلی آشنا شویم و سپس به عنوان‌های اصلی بپردازیم.

۱-۱- مفهوم لغوی شهروند

در فرهنگ لغت معین شهروند به کسی اطلاق می‌شود؛ «که در شهر زندگی می‌کند» یا به کسی که

مطرح نمودند. در بخشی از فرمان ۸ ماده‌ای آمده است: «قابل قبول و تحمل نیست؛ که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای ناخواسته به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که زمان استوار و سازندگی است؛ احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند». اما لازم بذکر است؛ که اصطلاح «حقوق شهروندی» در جمهوری اسلامی ایران اولین بار در کشور با صدور بخشنامه ۱۴۱ بند، توسط رئیس وقت قوه قضاییه، آیت الله هاشمی شاهرودی رحمته در ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۳ شمسی وارد نظام حقوقی ایران شد. در مقدمه این بخشنامه آمده است: «از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می‌باشد، توجه کلیه قضات شریف، ضابطین و بازجویان و ناظران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سراسر کشور را به نکات ذیل [منظور ۱۴ بند ذیل بخشنامه] جلب می‌نماید». پس از این بخشنامه مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵، بخشنامه مذکور را به عنوان قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب نمود. همچنین قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۱۰۰، دولت را موظف کرده است؛ که منشور حقوق شهروندی را بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط رساند:

- ۱- پرورش عمومی قانون‌مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی.
- ۲- تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تعیین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن.
- ۳- هدایت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به سمت فرایندهای قانون و حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی.
- ۴- تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان.
- ۵- ترویج مفاهیم وحدت‌آفرینی و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی.
- ۶- حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد.
- ۷- ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه.

«اهل یک شهر یا یک کشور» باشد.^۱ (معین، ۱۳۷۸: ۶۵۸)

۲-۱- مفهوم لغوی حقوق

حقوق، مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی منظم و دقیق است؛ که نظم اجتماعی را تأمین می‌کند. (نوربهاء، ۱۳۹۲: ۲۷) حقوق در نظام‌های حقوقی به روش‌های مختلفی ایجاد می‌شود؛ که به شرح ذیل است:

- ۱- وضع مقررات از طرق قوه مقننه.
- ۲- وضع مقررات از طرق قوه مجریه از طریق صدور آیین نامه‌ها و بخش نامه‌های دولتی.
- ۳- وضع مقررات از طرق قوه قضائیه از طریق تصمیمات قضایی الزام‌آور، که این نوع وضع قانون در نظام‌های حقوقی «کامن‌لا» اهمیت بیشتری دارد.
- ۴- البته اشخاص خصوصی هم می‌توانند؛ با تنظیم قراردادهای الزام‌آور، مقررات و قوانین را میان خود ایجاد کنند.

۳-۱- مفهوم اصطلاحی حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در واقع حاکی از موقعیت و حالت انسانی است؛ که براساس آن باید از حقوق و مزایایی برخوردار و تکالیفی را عهده‌دار شود؛ هر چند دولت - شهر نباشد؛ یعنی ساکن کشور نباشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۷) در واقع حقوق شهروندی یکی هدیه الهی است؛ که از حقوق ذاتی و فطری انسان محسوب می‌شود. کسی نمی‌تواند؛ این هدیه را از انسانها سلب کند و همچنین این نوع حقوق غیر قابل انتقال و تقسیم ناپذیر است. هر فرد در هر مکانی و از هر رنگ، نژاد، جنس، زبان و مذهبی استحقاق برخورداری از این نوع حقوق را دارد.

بخش دوم: الگوی تحلیل مبانی حقوق شهروندی

به طور کلی الگوهایی مختلفی برای گونه‌شناسی مبانی حقوق شهروندی مطرح شده است. از میان نظریات دیدگاه «برایان ترنر و کیث فالکس» مورد توجه بیشتری از سوی پژوهشگران قرار گرفته است. «کیث فالکس» نظریه‌های شهروندی را براساس مؤلفه اصلی همچون: «بستر، گستره، محتوا و عمق» بیان کرده است. (بهروزک، ۱۳۸۷: ۱۲۲) البته در الگوی «برایان ترنر» نوع شهروندی مورد اهمیت قرار

^۱ - در فرهنگ لغت انگلیسی نیز به شهروند (Citizenship) گویند.



گرفته و میزان فعالیت یا انفعال شهروندان را در نظام سیاسی مشخص شده است. (بهروزلك، ۱۳۸۷: ۱۲۰) البته باید این نکته را مورد توجه قرار داد که: براساس دیدگاه‌های اسلامی (قرآن کریم و نهج البلاغه) یکی از مؤلفه‌هایی که در این الگوها مطرح نشده است؛ مبنای «مشروعیت و غایت» حقوق شهروندی هست. (بهروزلك، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

بر این اساس با ترکیب دیدگاه «ترنر و فالکس» و تکمیل آنها، الگوی جدیدی (مبنای مشروعیت و غایت) با هفت محور از جمله: «بستر حقوق شهروندی، مبنا حقوق شهروندی، محتوا حقوق شهروندی، عمق حقوق شهروندی، نوع حقوق شهروندی، گستره حقوق شهروندی و غایت حقوق شهروندی» بدست می‌آید؛ که چارچوبی نسبتاً کامل برای بررسی مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه می‌باشد. دیدگاه‌های «برایان ترنر و کیث فالکس» و تکمیل آنها (مبنای مشروعیت و غایت) به شرح ذیل است:

- ۱- بستر حقوق شهروندی: مراد فضای یا جامعه شکل‌گیری ایده حقوق شهروندی است. همچون: جامعه سنتی، جامعه برده‌داری (فئودالی)، جامعه دینی و بورژوازی (سرمایه‌داری).
- ۲- مبنای حقوق شهروندی: مراد نگرش به حقوق شهروندی و تعهدات مربوط به آن است. همچون: حقوق شهروندی مبتنی بر نگرش سنتی، حقوق شهروندی مبتنی بر آموزه‌های دینی و حقوق شهروندی مبتنی بر قرارداد اجتماعی.
- ۳- محتوای حقوق شهروندی: مراد الگوی مبتنی بر نسبت میان تعهدات و مزایا یا حقوق و تکالیف شهروندی است. همچون: الگوی سنتی، الگوی مُدرن، الگوی لیبرال، الگوی پسالیبرال و ...
- ۴- عمق حقوق شهروندی: مراد حدود اهمیت و دخالت شهروندی در حوزه‌های خصوصی و عمومی است. همچون: نظام‌های مُدرن.
- ۵- نوع حقوق شهروندی: مراد الگوهای متفاوت مبتنی بر مشارکت شهروندان در عرصه سیاسی است. همچون: شهروندی منفعل، شهروندی فعال و شهروندی متعهد.
- ۶- گستره حقوق شهروندی: مراد چگونگی محدوده (باز یا بسته بودن) برخورداری از حقوق شهروندی در يك جامعه و قلمرو آن است.
- ۷- غایت حقوق شهروندی: درباره غایت شهروندی دیدگاه‌های مختلفی از سوی پژوهشگران مطرح شده است. این مقوله به غایت نظام سیاسی و جامعه بستگی دارد. (بهروزلك، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۵)

بخش سوم: حقوق شهروندی در نهج البلاغه

امام علی (علیه السلام) در طول ۲۳ سال رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دانش مدیریت حکومتی را از سنت و قرآن کریم آموخت. ایشان در طول ۲۵ سال خانه نشینی تمامی تجربه‌های و آموزش‌های مدیریتی مختلف را

دریافت. امام علیه السلام در دوران حکومتی خود شهر کوفه را به خاطر اجرای برنامه کامل خود انتخاب نمود و با هواداران بی‌عدالتی و متجاوز به حقوق مردم به جنگ پرداخت. (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۵۴-۲۵۶) امام علی علیه السلام در طول حکومت داری خویش به دنبال تبیین «حقوق شهروندی» در یک جامعه اسلامی است. با بررسی در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها «کتاب نهج البلاغه» کلماتی وجود دارد؛ که ناظر به «مفهوم حقوق شهروندی» در جوامع اسلامی است. از جمله: «الرعیة»^۱ و سایر مشتقات آن و «الناس»^۲ و «الاهل»^۳. هر جا که این کلمات بکار برده رفته باشند؛ منظور امیرالمومنین علیه السلام از آنها «شهروندان» است. (بهرزنگ، ۱۳۸۷: ۱۱۲) در این بخش هر یک را در چهارچوب نظریه «برایان ترتر و کیث فالكس» و «تورنی و همکاران» بیان می‌گردد.

۳-۱- بستر حقوق شهروندی در نهج البلاغه

در زمان خلیفه سوم، حوادث تلخی در جوامع اسلامی رخ داد که سبب شد؛ مسلمانان در پی کسی باشند که نسبت به تعالیم اسلام و سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وفادار باشد. تنها فرد مورد نظر علی بن ابی طالب علیه السلام (حامل و حافظ قرآن) بود. ایشان در کتاب نهج البلاغه، ملاک و منبع اعمال خود در مورد اندیشه و نظریات شهروندی را بر دو محور اصلی و اساسی یعنی قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است. (خطبه ۱۶۸) امام علیه السلام بارها مردم را به الگو برداری از سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سفارش می‌کردند؛ تا مردم فرهنگ حقیقی^۴ و ناب را دریابند (خطبه ۱۶۰) و از تفرقه در جامعه پرهیز کنند و اتحاد و انسجام را پیشه بگیرند. (خطبه ۲۲۹)

^۱ - توصیه‌های آن حضرت علیه السلام به کارگزاران حکومت، درباره رعایت حقوق شهروندی مردم در جامعه اسلامی می‌باشد. این توصیه‌ها، با توجه به موقعیت زمانی و مکانی، متغیر و متنوع است. سایر موارد استفاده از این واژه نیز شامل مواردی از قبیل: شرح حقوق متقابل رهبر و مردم و رعایت حق در جامعه و ثمرات این مسئله می‌باشد (خطبه ۲۰۷) و در جایی نیز از رعیت به عنوان فرمانبرداران حکومت یاد شده است. (کلمات قصار ۲۵۳)

^۲ - در برخی موارد در معنای «شهروند» به کار رفته‌اند. (نامه ۵۳)

^۳ - در برخی موارد در معنای «شهروند» به کار رفته‌اند. (خطبه‌های ۱۷۱، ۱۷۰، ۶۸، ۵۴، ۵۳، ۳۴، ۳۳، ۱۳، ۳؛ نامه‌های ۷۴، ۶۷، ۶۲، ۶۱، ۵۷، ۵۴، ۵۵، ۳۸، ۲۹، ۱۰)

^۴ - اهمیت «فرهنگ» در نظام اسلامی تا آن جاست؛ که هدف بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال، تعلیم و تربیت، هدایت و تزکیه می‌باشد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (جمعه/۲) آری، بعثت یعنی: تحول و دگرگونی که سبب حرکت اساسی و دگرگون ساز در تمامی ابعاد جامعه بالخصوص در ضمیر انسان‌ها (اعتقاد به توحید و ذات باری تعالی) است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «بالتعليم ارسلت». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۰۶)



پس از قتل «عثمان» همه مردم برای بیعت و پذیرش ولایت و خلافت علی (علیه السلام) در مسجد اجتماع کردند. (خطبه ۵۳) امام علی (علیه السلام) حق حاکمیت بر مردم را مختص خداوند متعال دانسته (خطبه ۴۰) که خدای رحمان نیز این حق را (حق تعیین سرنوشت) به مردمان واگذاشته است؛ که تحقق آن در قالب حکومت اسلامی بدست می‌آید. حضرت علی (علیه السلام) راجع به اهمیت بیعت شهروندان برای تشکیل جامعه اسلامی می‌فرمایند: «همانا بیعت برای امام يك بار بیش نیست و تجدید نظر در آن میسر نخواهد بود و کسی اختیار از سر گرفتن آن را ندارد. آن کس که از این بیعت عمومی سرباز زند، طعنه‌زن و عیب‌جو خوانده می‌شود و آن کس که درباره آن دو دل باشد؛ منافق است». (نامه ۷)

با دقت در این سخنان در می‌یابیم؛ که تشکیل حکومت اسلامی با بیعت مردم جزء حقوق شهروندی محسوب می‌گردد؛ که این امر مغایر با دستورهای قرآن و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نمی‌باشد و هر کس نسبت به انتخاب (تعیین سرنوشت) آزاد است. تمامی انبیاء الهی از سوی خداوند متعال مبعوث شدند؛ تا آزادی انسان‌ها را از بند شهوت و هوس‌رانی بشارت دهند. اسلام برخلاف دیگر مکتب‌های نوین (آزادی را حق انتخاب می‌دانند؛ بدون در نظر گرفتن دین) آزادی را در گروه دین و اجتناب از هوس‌های نفسانی می‌داند. خداوند متعال در قرآن کریم بیان کرده است:

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا الْأَصْحَابَ الْأَيْمِينَ (مذثر / ۳۸-۳۹)

(هر کسی در گرو دستاورد خویش است؛ به جز یاران دست راست).

آری؛ امام علی (علیه السلام) وجود حکومت اسلامی را برای اجتماع جهت برقراری عدالت ضروری می‌داند. (خطبه ۴۰)

در دیدگاه علی (علیه السلام)، مردم صاحبان اصلی حاکمیت می‌باشد. به عبارت دیگر؛ امام (علیه السلام) مشروعیت حاکمیت را الهی می‌داند؛ که با اقبال مردم در یک جامعه محقق می‌شود. (خطبه ۱۳۶) ایشان در مورد بیعت مردم جهت تشکیل حکومت اسلامی بعد از قتل خلیفه سوم بیان کرده است: «بیعت شما با من حادثه ناگهانی نبود و برنامه من و شما یکی نیست. من شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خود می‌خواهید. ای مردم!» (خطبه ۱۳۶) و همچنین فرمودند: «برای بیعت با من مانند: شترهای ماده‌ای که به جانب بچه‌های خود روند روی آوردید؛ فریاد می‌زدید: بیعت! بیعت! دستم را بستم، باز کردید؛ دستم را عقب بردم، کشیدید» (خطبه ۱۳۷) و همچنین فرمودند: «آن مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند؛ با همان شرایط و مقررات با من بیعت کردند». (نامه ۶)

امام علی (علیه السلام) خاستگاه حکومت را بر دو پایه استوار می‌داند:

۱- مردم تشکیل دهنده حکومت.

۲- شایستگان اداره کننده حکومت. (خطبه ۱۵۲)

در آخر لازم است؛ این موضوع مطرح گردد که مردم باید هشیار باشند و حاکمیت را در اختیار افراد نااهل قرار ندهند؛ که همین امر سبب نابودی انسانیت و حقوق شهروندی می‌گردد. (نامه ۵)

۲-۳- مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه

محور سیاست‌های حضرت علی علیه السلام توجه به نوع انسان، فارغ از قوم و قبیله و دین و مذهب است. در نامه حضرت علیه السلام به مالک اشتر^۱ (نامه ۵۳) فقط سی مورد (جملاتی) وجود دارد که همه انسان‌ها از هر ملیت، نژاد و مذهب (تَظْيِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ) با کلمات «ناس» و «رعیت» و «کُلَّ امریء» و «عباد الله» به معنای شهروند مطرح شده است. نگاه حضرت علی علیه السلام نسبت به عدالت در میان اقشار جامعه براساس «اصل برابری» است. «اصل برابری» نه براساس «نگاه محافظه‌کارانه» و نه براساس نگاه «مساوات طلبانه». بلکه براساس «رنج و تلاش افراد» است. البته این عدالت با ایجاد زمینه‌های رشد جامعه در سایه کرامت محقق می‌گردد. (خطبه ۲۲۷) خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (الإسراء/ ۷۰)

(و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم). آیت الله جوادی آملی بیان کرده است: «این کرامت نظری می‌تواند؛ بزرگواری‌های ارزشی و عملی فراوانی به همراه داشته باشد. به سبب همین کرامت، باید همه تعالیم اخلاقی و حقوقی با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری کامل با آن تنظیم شوند. هنگامی که بپذیریم؛ انسان گوهری کریم و ارزشمند است؛ خواه ناخواه بر این باور خواهیم بود، که نه تنها آزادی، امنیت و غیر حق اویند، بلکه باید به گونه‌ای تفسیر و تنظیم شوند؛ که با کرامت وی سازگار باشند». (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۰۱-۱۰۳)

امام علی علیه السلام در حکومت خود به دنبال ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه بود. که این عدالت با رعایت حقوق جامعه از طرف والی و مردم صورت می‌گیرد. «پس چون رعیت حق والی را بگذارد و والی حق رعیت

^۱- این نامه از طولانی‌ترین نامه‌هاست (که زیبایی‌های تمام نامه‌ها را دارد) که در سال ۳۸ هجری به «مالک اشتر» نوشته شد؛ هنگامی که امام علی علیه السلام او را به فرمانداری مصر برگزید. آن هنگام اوضاع «محمد بن ابی بکر» متزلزل شد.

را به جای آرد.... اگر رعیت بر والی چیره شود و یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد و نشانه‌های جور آشکار و تبهکاری در دین بسیار فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت پیامبر ﷺ متروک، هوا پرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان شود. مردم از این که حق بزرگی فراموش می‌شود یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد؛ احساس نگرانی نمی‌کنند». (خطبه ۲۱۶)

۳-۳- محتوای حقوق شهروندی در نهج البلاغه

چگونگی رابطه زمام‌داران و شهروندان در جامعه از امور محوری در همه حکومت‌هاست. در حکومت امیرمؤمنان (علیه السلام) رابطه زمام‌داران و شهروندان یک «رابطه دو سویه» می‌باشد.^۱ که البته این موضوع (رابطه دو سویه) از سنت‌های خداوند متعال است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «پس خدای سبحان برخی از حق‌های خود را برای بعض مردمان واجب داشت و آن حق‌ها را برابر هم نهاد و واجب شدن حق را مقابل گزاردن حق گذاشت، حقی بر کسی واجب نبود؛ مگر حقی که برابر آن است گزارده شود». (خطبه ۲۰۷) امام علی (علیه السلام) حقوق و تکالیفی شهروندان نسبت به حاکم را این گونه بیان می‌کند: «مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی.... اما حق من بر شما این است؛ که به بیعت من وفا کنید و در نهان و آشکارا حق خیرخواهی را ادا کنید و چون شما را بخوانم بیایید و چون فرمان دهم بپذیرید و از عهده بر آید». (خطبه ۳۴) اما برخی از حقوق مهم حاکم بر شهروندان در حکومت علوی بدین شرح است:

الف- امنیت جامعه اسلامی

در تعالیم اسلامی امنیت جایگاه و حساسیتی دارد و بر مسلمان واجب است؛ که برای تأمین، حفاظت و گسترش آن در جامعه از هیچ کوششی دریغ نورزند. قرآن کریم به گونه‌ای بسیار زیبا در تمثیلی نقش کارساز امنیت را در رشد جامعه بیان می‌کند:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ، (نحل/ ۱۱۲)

(خداوند بر آنان که نعمت‌های الهی را ناسپاسی کردند؛ مثلی زده است: منطقه‌ی پُر رونق و آبادی که سرشار از امنیت و اطمینان بوده و رزق و روزیش به وفور از هر مکانی فرا می‌رسید، ولی نعمت-های خداوند را ناسپاسی و کفران کردند و خداوند هم به سبب اعمالشان لباس گرسنگی و ترس

^۱ - رجوع شود: به نامه ۵۳ کتاب نهج البلاغه (نامه امام علی (علیه السلام) به مالک بن الحارث الاشری).



را بر اندامشان پوشاند).

خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه، سه ویژگی را برای منطقه آباد بیان نموده است: «امنیت، آرامش، رزق فراوان». این ویژگی‌ها به صورت حلقه‌های زنجیری، علت و معلول هم هستند؛ زیرا تا امنیت نباشد کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی پیدا نمی‌کند و همچنین تا این دو (امنیت و آرامش) نباشند؛ کسی به تولید و سامان دادن وضع اقتصادی علاقه‌مند نمی‌شود. به عبارت دیگر نخست باید «امنیت» را به وجود آورد؛ تا «اعتماد» و «اطمینان» متولد شوند و سرمایه‌ها جلب و چرخ‌های اقتصادی جامعه به حرکت در آیند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۴۲۸)

در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز امنیت جایگاه والایی دارد. امام صادق (علیه‌السلام) به هنگام نیایش، از خداوند بی‌نیاز درخواست امنیت می‌کند: «پروردگارا! هرگاه که خورشید طلوع می‌نماید و تا لحظه‌ای که غروب می‌کند؛ آن روز را برای من همراه با امنیت و ایمان به پایان برسان» (کلینی، ۱۴۱۳: ۲/۵۳۰) و همچنین باران واقعی اسلام از جمله: اباذر رضی الله عنه در نیایش‌های خود بیان می‌کند: «خداوندا! من از تو «امنیت» درخواست دارم و هم چنین ایمان به تو و تصدیق به پیامبر تو و سلامتی از جمیع گرفتاری‌ها و توفیق سپاس‌گزاری بر سلامتی و بی‌نیازی از مردمان پست را از تو خواستارم». (کلینی، ۱۴۱۳: ۲/۵۳۰)

امام علی (علیه‌السلام) در حکومت خود برای ایجاد امنیت در جامعه، به وجود سپاهی محکم و مقتدر تاکید داشته‌اند تا جان و مال و حیثیت مسلمان در برابر دشمنان مصون بمانند. «سپاهیان با اذن خداوند حافظان رعیت، زینت زمامداران، عزت و شوکت دین و راه‌های امنیت می‌باشند. قوام رعیت جز توسط این گروه ممکن نیست». (نامه ۵۳/۵) ایشان لشکر خود را نیز به جهاد در برابر متجاوزان و حفظ مرزها تشویق نموده است. «پرچم لشکر را بالا دارید و پیرامون آن را خالی مگذارید و جز به دست دلاوران و مدافعان سر سخت خود نسیارید، زیرا آنان که در حوادث سخت ایستادگی می‌کنند، از پرچم‌های خود بهتر پاسداری می‌نمایند..... کیست که شتابان و با نشاط با جهاد خویش به سوی خدا حرکت کند؛ چونان تشنه‌کامی که به سوی آب می‌رود؟..... به خدا سوگند که من به دیدار شامیان در میدان نبرد شیفته ترم تا آنان بر بازگشت به خانه‌هایشان که انتظار آن را می‌کشند..... آنان دست بر نمی‌دارند؛ تا آنگاه که دسته‌های لشکر پیاپی بر آنان حمله کنند و آنها را تیرباران نمایند و سواران ما هجوم آورند و صف‌هایشان را درهم شکنند و آنها را تا شهرهایشان عقب برانند». (خطبه ۱۲۴) همچنین امام علی (علیه‌السلام) برای لشکریان سفارش‌هایی را بیان کرده است؛ که بدین شرح می‌باشد: پایبندی به نماز، (خطبه ۱۹۰) استقامت در راه خدا، (خطبه ۱۹۰) رفاه سپاهیان، (نامه ۵۳) نظارت بر امور سپاهیان، (نامه ۶۰) رعایت ادب در جنگیدن، (خطبه ۲۰۶) رعایت انصاف

در جنگیدن، (نامه ۱۴) عدم افراد و تفریط نسبت به مردمان عادی (خطبه ۱۷۱) و

ب- تامین اجتماعی

اما دومین حقوق حاکم بر شهروندان تامین رفاه و آسایش مادی است. به عبارت دیگر، مسلمین بتوانند در یک محیط امن و با آرامش به طریق دلخواه خود البته مشروع، به کسب و کار بپردازند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (اعراف/۹) (و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم. اما چه کم سپاسگزاری می‌کنید). البته اگر کسی با کسب و کار خویش موجب تضییع حقوق دیگران شود؛ حکومت اسلامی باید با او برخورد کند. خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۳۰)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ ربا را با سود چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید. باشد؛ که رستگار شوید).

تاکیدهای اسلام فقط مختص به مسائل اخلاقی و الهی نمی‌باشد؛ بلکه نگاه اسلام به کسب درآمد و تأمین معاش، یک نگاه موکد و با اهمیت است و شرایط اقتصادی را که اسلام بیان نموده است؛ شرایط دشوار و تنگناهای مالی و معیشتی آزار دهنده را برای عموم جامعه نمی‌باشد. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «از ما نیست؛ کسی که دنیا را به خاطر دین یا دین را به خاطر دنیا ترک کند و رها سازد» (الهامی نیایی تا: ۶۸۷) و همچنین امیرالمومنین علیه السلام در بحث تأمین معاش و امور اقتصادی می‌فرماید: «برای هر فرد عاقل سه شاخص وجود داد: امرار معاش، قدم برداشتن بسوی آخرت، لذت در غیر محرمات». (حرالعالمی، ۱۴۱۶: ق/۸: ۲۵۲)

در قرآن کریم نیز مسئله تامین اجتماعی مورد توجه قرار گرفته شده است. از جمله: تعاون و همکاری، (مائده/۲) منابع طبیعی، (نحل/۱۰الی۱۳) مسکن و خانه سازی، (نحل/۸۰الی۸۲) کشاورزی، (انعام/۱۴۱) کمیته امداد، (توبه/۶۰) معادن، (رعد/۳-۴؛ حجر/۱۹الی۲۳) قرض الحسنه، (بقره/۲۴۵؛ مائده/۱۲؛ حدید/۱۰-۱۱؛ مزمل/۲۰؛ حدید/۱۸) بانکداری بدون ربا (روم/۳۹) و خرید و فروش. (اعراف/۸۵؛ هود/۸۵) همچنین قرآن کریم برای رفع فقر و شکاف طبقاتی و انحصار ثروت در دست توانگران در راستای برقراری امنیت برای معیشت افراد و زدودن فقر از جامعه، آیاتی قابل تأمل وجود دارد: «ما أغنى عني ماليه». (حاقه/۲۸) قرآن کریم از حسرت خوردن مجرمانی که هنگام مرگ فایده‌ای



از اموال خود نمی‌بینند خبر می‌دهد؛ (طبرسی، بی تا: ۴/۵)

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه/۳۴)

در حالی که می‌توانستند از مؤمنانی باشند:

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ، (الذاریات/۱۹)

و از آنچه خداوند در اختیارشان گذاشته آخرت خود را آباد می‌سازند؛ (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ۷۶/۱۶)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ.. (قصص/۷۷)

امام علی (علیه السلام) نیز براساس آیات فوق درصدد تامین اجتماعی شهروند حکومت خود همانند: یک دادگر عادل بود؛ تا آنجا که به فرماندار خود (مال اشتر) چنین دستور می‌دهد: «مالیات‌های آن را جمع کند و با دشمنش جهاد نماید و به اصلاح اهلس برخیزد و شهرهایش را آباد سازد.....». (نامه ۵۳) همچنین امام (علیه السلام) تاکید زیادی در مورد افراد سالخورده و مستمند داشتند؛ که نیازهای معاش این افراد توسط حکومت مرتفع گردد. «خدا را، خدا را، در باب طبقه فرودست: کسانی که بیچارگان اند از مساکین و نیازمندان و بینوایان و زمینگیران. در این طبقه، مردمی هستند سائل و مردمی هستند، که در عین نیاز روی سؤال ندارند. خداوند حقی برای ایشان مقرر داشته و از تو خواسته است که آن را رعایت کنی. پس، در نگه داشت آن بکوش. برای اینان در بیت المال خود حقی مقرر دار و نیز بخشی از غلات اراضی خالصه اسلام را، در هر شهری، به آنان اختصاص ده..... سرمستی و غرور، تو را از ایشان غافل نسازد..... کسانی از امینان خود را که خدای ترس و فروتن باشند، برای نگرستن در کارهایشان برگمار تا نیازهایشان را به تو گزارش کنند. با مردم چنان باش، که در روز حساب که خدا را دیدار می‌کنی، عزت پذیرفته آید..... تیمار دار یتیمان باش و غمخوار پیران از کار افتاده که بیچاره‌اند و دست سؤال پیش کس دراز نکنند..... و این کار بر والیان دشوار و گران است..... آنان خود را به شکیبایی وامی‌دارند و به وعده راست خداوند، درباره خود اطمینان دارند». (نامه ۵۳)

ج- فقر زدایی

در مکتب اسلام برای رفع هرگونه فقر از جامعه اسلامی راه‌هایی بیان شده است؛ از جمله: لزوم پرداخت خمس، (انفال/۴۱) لزوم پرداخت زکات، (توبه/۶۰) لزوم پرداخت قرض الحسنه، (بقره/۲۴۵) مهلت دادن (بقره/۲۸۰) به بدهکاران بی‌بضاعت، (الراوندی، بی تا: ۱/۲۳۹) لزوم منع اسراف و تبذیر. (انعام/۱۴۱) چرا که تبذیر سبب تبعیت از شیطان‌ها (الإسراء/۲۷) در پی دارد. (طوسی، بی تا: ۶/۴۶۹) و نیز منع انباشته کردن طلا و نقره و محروم کردن دیگران از آن (توبه/۳۴) و هرگونه سرکشی و طغیان در

استفاده نادرست از نعمت‌های خدا (طوسی، بی تا: ۱۶۵/۸-۱۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۲۹/۱) که از آن به «بَطْر» (قصص/۵۸) تعبیر شده، برای مقابله با فقر و صرف اموال در راه نادرست است. (السیوطی، بی تا: ۱۷۷/۴) همچنین قرآن برای استفاده فقیران و محرومان از نعمت‌های خدا مانند: فیء یا متصرفات از غیر راه جنگ (طوسی، بی تا (الف): ۶۵/۲) را متعلق به خدا و رسول ﷺ و خویشاوندان نزدیک او و بیچارگان و در راه ماندگان دانسته (طوسی، بی تا: ۵۶۳/۹) تا با مال اندوزان از راه‌های نامشروع مقابله کند. (حشر/۵۹) آری؛ امنیت مناسبات اقتصادی و تجاری جامعه هم بر محور دوری از ربا (بقره/۲۷۸-۲۷۹) و نخوردن مال دیگران به باطل (نساء/۲۹) و «سُحت» (مائده/۶۲) تعریف می‌شود. بزرگان دین «سُحت» را کسب درآمد از راه حرام و رشوه دانسته‌اند. (عیاشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۲/۱)

امام علی (علیه السلام) نیز براساس آیات قرآن کریم یک نظام اقتصادی مستمر و پاک را در جامعه براساس عدالت پی ریزی کرد. امام (علیه السلام) تاکید زیادی بر حفظ بیت المال از چاپاول را داشتند. «به خدا سوگند، اگر این املاک، کابین همسران و بهای کنیزکان هم گشته باشد، آن را به بیت المال برمی گردانم، که در عدالت گشایش است، و آن کس که «داد» بر او سخت آید، از «بیداد» به فریاد آید.....». (خطبه ۱۵) همچنین کسانی را که به بیت المال دست درازی می‌کردند؛ را مورد نکوش قرار می‌داد. «آیا به معاد ایمان نداری و از حسابرسی دقیق قیامت نمی ترسی... چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا کردی در حالی که می دانی حرام می خوری و حرام می نوشی؛ چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کنیزان می خری و با زنان ازدواج می کنی که خدا این اموال را به آنان وا گذاشته و این شهرها را به دست ایشان امن فرموده است.....». (نامه ۴۱)

اگر عمل و گفتار امام علی (علیه السلام) در مورد کار و تلاش و تولید ملی در جامعه ایجاد شود؛ بی شک جامعه اسلامی به طور طبیعی از رکود اقتصادی خارج می‌شود. زیرا امام (علیه السلام) اسوه نجات بخش در تمام ابعاد حیات فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی می‌باشد. همه انسان‌ها باید سنن گفتاری و عملی ایشان را در زندگانی خویش، الگو خود قرار دهند و همچنین گفتار و رفتار علی (علیه السلام) در مورد کار مفید و بهره‌وری از آن، تبدیل به يك ارزش گردد و در ابلاغ این سنت‌ها مورد غفلت قرار نگیرد. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «روزی در مدینه به شدت گرسنه بودم؛ به همین دلیل در حاشیه مدینه به دنبال کار رفتم. زنی را مشاهده کردم؛ که قصد دارد مقداری کلوخ را به گل تبدیل کند تا خانه خود را تعمیر نماید. با زن قرار گذاشتم؛ در ازای هر ظرف آب برای گل کردن کلوخ‌ها، يك دانه خرما دستمزد بگیرم». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۳/۴۱) «بنابراین شانزده ظرف آب تهیه کردم. با این که دستهایم تاول زده بود و در مقابل شانزده دانه خرما دریافت کردم.



نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدم و جریان را برای ایشان تعریف کردم و با هم مشغول خوردن خرما شدیم». (حکیمی، ۱۳۶۷: ۵/۳۲۳) با این که ایشان خلیفه مسلمین بود؛ ولی همیشه مشغول کار کردن بودند و همواره زمین‌های بایر را آبیاری می‌کردند و بعد از آباد کردن آنها، برای فقراء وقف می‌نمودند. «بسم الله الرحمن الرحیم، هذا ما تصدق به عبدالله علی امیر المؤمنین علیه السلام تصدق بالصّیعتین المعروفتین بعین ابی نذر و البغیغة علی فقراء اهل المدينة و ابن السبیل». (المحمودی، ۱۹۶۸م: ۴/۱۵)

د- نظارت بر قضات

امام علی علیه السلام بر روی کار تمام قضات نظارت کامل داشت و افرادی را برای این امر (نظارت) مامور کرده بود. برای نمونه، نامه امام علی علیه السلام به شریح قاضی است: «به من خبر دادند؛ که خانه‌ای با هشتاد دینار خریداری و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهانی آن را امضا کرده‌اند. شریح گفت: آری! ای امیر مؤمنان علیه السلام، امام علیه السلام نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود: ای شریح اندیشه کن؛ که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای.....». (نامه ۳)

ر- نظارت بر کارگزاران اقتصادی

امام علی علیه السلام با رها کارگزاران خود را سفارش به امانت داری در بیت المال و خودداری از اسراف در بیت المال از جمله: زیاد بن ابیه (نامه ۲۱) و قثم بن عباس (نامه ۶۷) و منذر بن جارود (نامه ۷۱) سفارش می‌نمود و اگر کسی دست درازی بر بیت المال می‌نمود، به سختی مجازات می‌شد. امام علیه السلام فرموده‌اند: «خبر رسیده: که تو اموال مسلمان‌ها را که نیزه‌ها و اسب‌هاشان آنرا گرد آورده و خون‌هاشان بر سر آن ریخته شده در بین عرب‌های خویشاوند خود که ترا گزیده‌اند قسمت میکنی. پس سوگند به خدائی که دانه را زیر زمین شکافته و انسان را آفریده اگر این کار راست باشد، از من نسبت به خود زبونی یابی و از مقدار و مرتبه نزد من سبک‌گردی..... آگاه باش حق کسی که نزد تو و نزد ما است از مسلمانان در قسمت نمودن این مال‌ها یکسان است: پیش من بر سر آن مال می‌آیند و بر می‌گردند چنان که هر کس برای آب بر سر چشمه رفته و بر می‌گردد و چشمه بی تفاوت به همه آب می‌بخشد، بنابراین حق نداری که آن مال‌ها را به خویشاوندانت اختصاص دهی». (نامه ۴۳)

و- توجه به عمران و آبادانی برای تسهیل تولید ملی



امام علی (علیه السلام) فرمودند: «گروهی از حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و چنین اظهار کردند: که اگر نهر متروک و غیرقابل استفاده آنها لایروبی و حفاری شود، شهرهای آنها آباد و بر ادای خراج توانمند و درآمد مسلمین از این جهت افزوده می‌شود و از من درخواست کردند، برای تو نامه‌ای بنگارم، که در انجام چنین کاری آنها را جمع کنی و نیروی آنها را در حفر و عمران نهر و تأمین هزینه آن به کارگیری... من خواسته آنها را به شما ارجاع می‌دهم، هر کس که دوست دارد در انجام این امر کار کند، از او بخواه که تلاش کند و در نتیجه، نهر مال افرادی است که کار کرده‌اند، نه افرادی که نسبت به انجام این مهم بی‌میل باشند و اگر دست به عمران نهر شوند و وضعیت مالی آنها تقویت شود، از نظر من بهتر است تا این که در ضعف درآمد مالی باقی بمانند». (المحمودی، ۱۹۶۸م: ۳۵۹/۵) امام (علیه السلام) با تأکید بر عمران و آبادانی در واقع به دنبال آبادانی جامعه اسلامی است. «باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد؛ که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد». (نامه ۵۳) همچنین ایشان فرمودند: «از شما فرماندهان نظامی می‌خواهم؛ که مبدا فلاح و پیشه‌گان از جانب شما مورد ظلم واقع شوند». (محمدی الریشه‌ری، ۱۴۲۱ق: ۱۷۲/۴)

ن- اصلاح نظام مالیاتی

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «مالیات و بیت المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود؛ کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت... باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد؛ که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد... پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد... رعیت تو را می‌ستایند و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد... آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است و تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف



زامدارانی است؛ که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند». (نامه ۵۳)

همچنین امام علی علیه السلام بارها به کارگزاران مالیاتی خود سفارش کرده است؛ که روی عدل با مردم رفتار کنند. «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در بر آوردن نیازهایشان شکیبیا باشید. همانا شما خزانه داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید.... برای گرفتن درهمی، کسی را با تازبانه نزنید و به مال کسی که نمازگزار باشد، یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است؛ دست اندازی نکنید.... از پند دادن به نفس خویش هیچگونه کوتاهی نداشته، از خوشرفتاری با سپاهیان و کمک به رعایا و تقویت دین خدا، غفلت نکنید و آنچه در راه خدا بر شما واجب است انجام دهید. همانا خدای سبحان از ما و شما خواسته است؛ که در شکرگزاری کوشا بوده و با تمام قدرت او را یاری کنیم و نیرویی جز از جانب خدا نیست». (نامه ۵۱)

۳-۴- عمق حقوق شهروندی در نهج البلاغه

حضرت علی علیه السلام در سخنان زیادی عمق حقوق شهروندی (اهمیت و دخالت شهروندی در حوزه خصوصی و عمومی) را مدنظر قرار داده است. (نامه ۷) امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیر خواهی شما دریغ نوزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است؛ که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید، هرگاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید». (خطبه ۳۴)

با تأمل در کلام فوق در می‌یابیم؛ که توصیه‌های حضرت علی علیه السلام به شهروندان راجع به اهمیت و چگونگی دخالت شهروندی در حوزه خصوصی و عمومی حول همین چهار محور اساسی خلاصه می‌شود، که به شرح ذیل است:

الف- لزوم وفا به بیعت و حمایت حاکم.

ب- لزوم خیرخواهی و وفاداری به حاکم در نهان و آشکار.

ج- اطاعت فرمان.

د- اجابت دعوت.

البته امیرمؤمنان علیه السلام در باب لزوم وفاداری به بیعت، (خطبه ۸) سخنان متعددی نیز بیان فرموده است. (خطبه ۷۲) که برای نمونه: می‌توان سخنان ایشان پس از جنگ نهروان در باب نکوهش لشکریان

خود(به خاطر سستی در نبرد نهایی با لشکر معاویه) را بیان کرد.(خطبه ۲۵)

۳-۵- نوع حقوق شهروندی در نهج البلاغه

در اندیشه سیاسی و سلوك حكومتی امام علی (علیه السلام) برپا ساختن حكومت اسلامی و تغییر سرنوشت سیاسی و اجتماعی بدون حضور و مشارکت شهروندان و پیروی آنان از قوانین تحقق نمی‌یابد و بدون رأی آنان مشروعیت سیاسی پیدا نمی‌کند و بدون حضور همه جانبه آنان به درستی اداره نمی‌شود. در واقع بهترین حكومت و نیکوترین سیاست بدون مشارکت مردم محقق نمی‌گردد. حضرت (علیه السلام) به مشارکت فعال شهروندان در عرصه سیاسی جامعه معتقد است. «اگر حضور حاضران و اتمام حجت با اعلام وجود ناصران نبود..... بی‌تردید رشته حكومت را از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم و چون گذشته، خود را به کناری می‌کشیدم».(خطبه ۳)

البته باید زمینه و بستر مناسب برای ایفای نقش جدی و اساسی مردم در حكومت فراهم آید. امام علی (علیه السلام) با فراهم ساختن مناسباتی سالم و دور از خودکامگی و بدون رابطه جبارانه و مستبدانه، مردم را با صراحت و صداقت به مشارکت در امور حكومت برخیزاند و حق و عدالت را با از بین بردن فاصله‌ای میان خود و والیان و خیرخواهی زمامداران، در سراسر حكومت به پا داشت. حضرت (علیه السلام) درباره نقش مردم در تشکیل حكومت فرموده است: «دستم را برای بیعت گشودید و من آن را بستم و به سوی خود کشیدید و من آن را برگرفتم. سپس بر من هجوم آوردید، همچون: شتران تشنه که روز آب خوردن به آبگیرهای خود درآیند و به یکدیگر پهلوی زنند. چندان که از هجوم مردمان بند پای‌افزار پاره شد و رداء از دوش افتاد و ناتوان پایمال گردید و خشنودی مردمان در بیعت با من بدانجا رسید؛ که کودکان به وجد آمده بودند و سالخوردگان لرزان لرزان برای دیدار این منظره به راه افتاده بودند و بیماران به کمک دیگران بدانجا آمده بودند و دختران جوان بی‌نقاب حاضر شده بودند».(خطبه ۲۲۰)

۳-۶- گسترده حقوق شهروندی در نهج البلاغه

امام علی (علیه السلام) برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان يك حق الهی تلقی می‌کرد و رعایت این حق الهی را بر حاکم و والی، لازم می‌شمرد. در سفارش‌های آن حضرت (علیه السلام) به مالك اشتر آمده است: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته



دیگر همانند: تو در آفرینش می‌باشند». (نامه ۵۳) بر همین اساس همه شهروندان در تمام حقوق و امتیازات از جمله: تساوی در اجرای قانون، (خطبه ۳۷) تساوی در گستردگی انصاف حاکم، (خطبه ۵۳) برابری در فرصت‌ها (خطبه ۵۳) و با هم برابر هستند. این تساوی در تمامی حقوق و امتیازات در جهت جلب رضایت عوام (شهروندان) است. «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند. زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد». (نامه ۵۳)

در واقع جلب رضایت عموم و ملت برخلاف رضایت خواص، می‌تواند مدافع از کیان زمامدار باشد و خشم خواص به جایی صدمه نمی‌زند؛ زیرا غضب آنان در برابر رضایت ملت و عموم ناچیز است. پس ملاک، به دست آوردن رضایت عموم ملت است؛ نه رضایت بستگان و زمامدار. «بدان، ای مالک هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند؛ نمی‌باشد. پس در این راه آنقدر بکوش تا به وفاداری رعیت، خوشبین شوی، که این خوشبینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می‌دارد». (نامه ۵۳)

۳-۷- غایت حقوق شهروندی در نهج البلاغه

پژوهشگران دیدگاه‌های مختلفی درباره غایت حقوق شهروندی مطرح شده است. غایت حقوق شهروندی در جوامع انسانی زمینه ساز رسیدن به کمال و سعادت؛ آزادی (نفی سلطه) است. در واقع غایت حقوق شهروندی به غایت نظام سیاسی و نظام اجتماعی بستگی دارد. اما ماهیت نظام سیاسی یا حکومت چیست؟ یا این که حکومت هدف است یا وسیله؟ برخی از پژوهشگران حکومت را هدف و مقصد می‌دانند و برخی دیگر حکومت را وسیله می‌دانند. در سیره حکمرانی امام علی (علیه السلام) حکومت وسیله‌ای برای اموری دیگر می‌خواهند و در آن جهت تحقق آنان به کار گرفته می‌شود. یعنی حکومت طریق خدمتگزاری و دادگری است. عبد الله بن عباس می‌گوید: «در سرزمین «ذی قار»، امام داشت کفش خود را پینه می‌زد،



تا مرا دید، فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود: به خدا سوگند، همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر این که حقی را با آن به پا دارم، یا باطلی را دفع نمایم. آنگاه از خیمه بیرون آمد و برای مردم چنین خطبه خواند: همانا خداوند هنگامی محمد ﷺ را مبعوث فرمود..... پیامبر ﷺ مردم جاهلی را تا به جایگاه کرامت انسانی پیش برد و به رستگاری رساند...». (خطبه ۳۳)

در دیدگاه امیر مؤمنان (ع) حکومت وسیله‌ای در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی و ایجاد عدالت و رفاه همگانی و حفظ حقوق انسانی است. «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده بار دیگر اجراء گردد». (خطبه ۱۳۱) در واقع امیرمؤمنان (ع) چهار غایت کلی و جامع را برای حقوق شهروندی مدنظر دارد:

الف- رشد و تعالی شهروندان.

ب- برقراری عدالت.

ج- تأمین امنیت.

د- تأمین رفاه شهروندان.

نتیجه‌گیری

نظریه حقوق شهروندی در جامعه، در دیدگاه امام علی (ع) براساس نظریات قرآن و سنت پیامبر ﷺ بوده است. امام علی (ع) با ایجاد بستر دینی در جامعه، مفاهیم همچون: «اخوت» و «کرامت» را جایگزین مسائل مادی در آن جامعه عقب افتاده و دور از علم نمود. مبانی حقوق شهروندی در حکومت علوی در قالب نظریه «برایان ترنر و کیث فالكس» و تکمیل آن، به شرح ذیل است:

- ۱- **بستر حقوق شهروندی:** تشکیل حکومت اسلامی با بیعت مردم جهت برقراری عدالت جزء حقوق شهروندی محسوب می‌گردد.
- ۲- **مبانی حقوق شهروندی:** محور سیاست‌های حضرت علی (ع) توجه به نوع انسان، فارغ از قوم و قبیله و دین و مذهب است.



- نگاه حضرت علی علیه السلام نسبت به عدالت در میان اقشار جامعه براساس اصل برابری (براساس رنج و تلاش افراد) است. البته این عدالت با ایجاد زمینه‌های رشد جامعه در سایه کرامت محقق می‌گردد.
- ۳- **محتوای حقوق شهروندی:** در حکومت امیر مؤمنان علیه السلام رابطه زمامداران و شهروندان یک رابطه دو سویه می‌باشد. حقوق و وظایف و تکالیفی شهروندان نسبت به حاکم، وفا به بیعت، خیرخواهی و اجابت دستورات حاکم است. اما برخی از حقوق مهم حاکم بر شهروندان در حکومت علوی از جمله: «امنیت جامعه اسلامی، تأمین اجتماعی، فقر زدایی، نظارت بر قضات، نظارت بر کارگزاران اقتصادی، توجه به عمران و آبادانی برای تسهیل تولید ملی، اصلاح نظام مالیاتی» می‌باشد.
- ۴- **عمق حقوق شهروندی:** توصیه‌های حضرت علی علیه السلام به شهروندان راجع به اهمیت و چگونگی دخالت شهروندی در حوزه خصوصی و عمومی حول چهار محور اساسی از جمله: لزوم وفا به بیعت و حمایت حاکم، لزوم خیرخواهی و وفاداری به حاکم در نهان و آشکار، اطاعت فرمان و اجابت دعوت، خلاصه می‌شود.
- ۵- **نوع حقوق شهروندی:** در اندیشه سیاسی حکومتی امام علی علیه السلام برپا ساختن حکومت اسلامی و تغییر سرنوشت سیاسی و اجتماعی بدون حضور و مشارکت شهروندان و پیروی آنان از قوانین، تحقق نمی‌یابد و بدون رأی آنان مشروعیت سیاسی پیدا نمی‌کند و بدون حضور همه‌جانبه مردم به درستی اداره نمی‌شود. در واقع بهترین حکومت و نیکوترین سیاست بدون مشارکت مردم محقق نمی‌گردد.
- ۶- **گسترده حقوق شهروندی:** امام علی علیه السلام برخورداری از حقوق شهروندی از جمله: تساوی در اجرای قانون، تساوی در گستردگی انصاف حاکم، برابری در فرصت‌ها همه طبقات جامعه و را برای همه شهروندان یک حق الهی تلقی می‌کردند. این تساوی در تمامی حقوق و امتیازات در جهت جلب رضایت عوام (شهروندان) است. در واقع جلب رضایت عموم و ملت بر خلاف رضایت خواص می‌تواند؛ مدافع از کیان زمامدار باشد و خشم خواص به جایی صدمه نمی‌زند. پس ملاک، به دست آوردن رضایت عموم ملت است؛ نه رضایت بستگان و زمامدار.
- ۷- **غایت حقوق شهروندی:** در دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام حکومت وسیله‌ای در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی و ایجاد عدالت و رفاه همگانی و حفظ حقوق انسانی است. در واقع امیر مؤمنان علیه السلام چهار غایت برای حقوق شهروندی مدنظر دارد: «رشد و تعالی شهروندان، برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان».

منشور حقوق شهروندی در دیدگاه علی‌علیه و اجرای آن سبب رشد و تعالی جامعه می‌گردد. اما امروزه مدعیان دروغین حقوق بشر در عصر مدرن خود را جدا از دستورات اسلامی می‌دانند و در بسیاری از موارد خود آنها از رعایت کردن حقوقی که خود آن را طرح ریزی کرده‌اند؛ سر باز می‌زنند. جوامع بشریت باید سخنان امیرالمومنین علی‌علیه را به عنوان یک انسان کامل و سرشار از تقوا و معنویت سر لوح خویش قرار دهند. در آخر پیشنهاد می‌شود؛ که کارگروهی از نخبگان تشکیل گردد؛ تا در مورد مبانی حقوق شهروندی بررسی کامل را انجام دهند و همچنین همایش‌های بیشتری در جهت تحقیق در کتاب شریف نهج البلاغه برگزار گردد.

مبانی حقوق شهروندی در سیره حکومت‌داری امام علی علی‌علیه
(با رویکرد آموزه‌های قرآن کریم)



منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه، ترجمه، دشتی، محمد، ۱۳۷۹، قم: نشر الهادی.
۱. ابن منظور، محمد، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
 ۲. الهامی نیا، علی اصغر، بی تا، اخلاق و تربیت اسلامی، بی جا: بی تا.
 ۳. بهروز لک، غلامرضا، ۱۳۸۷، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۴. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، وسائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
 ۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۵ش، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: دانش.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷ش، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
 ۷. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۶۷ش، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۸. راوندی، ابوالحسین، بی تا، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۹. سیوطی، جلال الدین بن عبد الرحمن، بی تا، الدر المنثور، بیروت: دارالفکر.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳ق، المیزان، تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۱۱. طبرسی، الفضل بن الحسن، ۱۴۱۵ق، مجمع البیان، بیروت: موسسه الاعلمی.
 ۱۲. طوسی، محمدحسن، ب ۱۴۰۲ق، التبیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۳ش، المبسوط، بی جا.
 ۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۴۰۹ق، التفسیر، قم: مدرسه الامام المهدی.
 ۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۳ق، الکافی، بیروت: دارالأضواء.
 ۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث الاسلامی.
 ۱۷. معین، محمد، ۱۳۸۷ش، فرهنگ فارسی، تهران: نشر امیرکبیر.
 ۱۸. محمدی ریشه‌ری، محمد، ۱۴۲۱ق، موسوعة الامام علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، قم: دارالحديث.
 ۱۹. محمودی، محمد باقر، ۱۹۶۸م، نهج السعادة، بیروت: مؤسسه المضامین الفکری.
 ۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب السلامی.

۲۱. نوربهاء، رضا، ۱۳۹۲ش، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش.

مقالات

۲۲. جعفری، مهدی، ۱۳۸۵ش، مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج البلاغه، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، شماره ۱، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

